

مالیات منفی

در آمریکا

ترجمه: مریم خراسانی

معنای مالیات منفی^۱ این است که شخصی که درآمدش پایین تر از سطح معینی است از دولت مبلغی دریافت می‌کند، درست به همان گونه شخصی که درآمدش بالای این سطح معین است وجهی (مالیات مثبت) به دولت می‌پردازد. تنها شرط لازم برای دریافت این پرداختهای کمکی نشان دادن آن است که درآمد واقعا "زیر سطح تعادل"^{*} قرار دارد. مالیات منفی در شکل محض خود، برنامه ساده توزیع مجدد درآمدی است که حداقل قدرت خرید سالانه تضمین شده‌ای را برای تمام شهروندان تأمین می‌کند. این با برنامه‌های بیمه که هرگونه پرداخت را به حق بیمه مربوط می‌کند و با برنامه‌های رفاهی که علاوه بر درآمد پایین مستلزم بعضی شرایط می‌باشد، کاملا متفاوت است.

سه عنصر اصلی

دو مورد از عناصر اصلی در یک نظام مالیات منفی عبارتند از: (۱) سطح درآمد متعادل، یعنی مقدار درآمد پیش از تعلق مالیات و کمک که در آن فرد نه ملزم به پرداخت مالیات مثبت می‌باشد و نه حق دریافت کمک مالیات منفی را دارد، و (۲) نرخ مالیات منفی که مقدار کمکی را که فرد در صورت داشتن درآمدی پایین تر از سطح تعادل

* سطحی از درآمد که در آن میزان دخل و خرج با هم مساوی است (م)

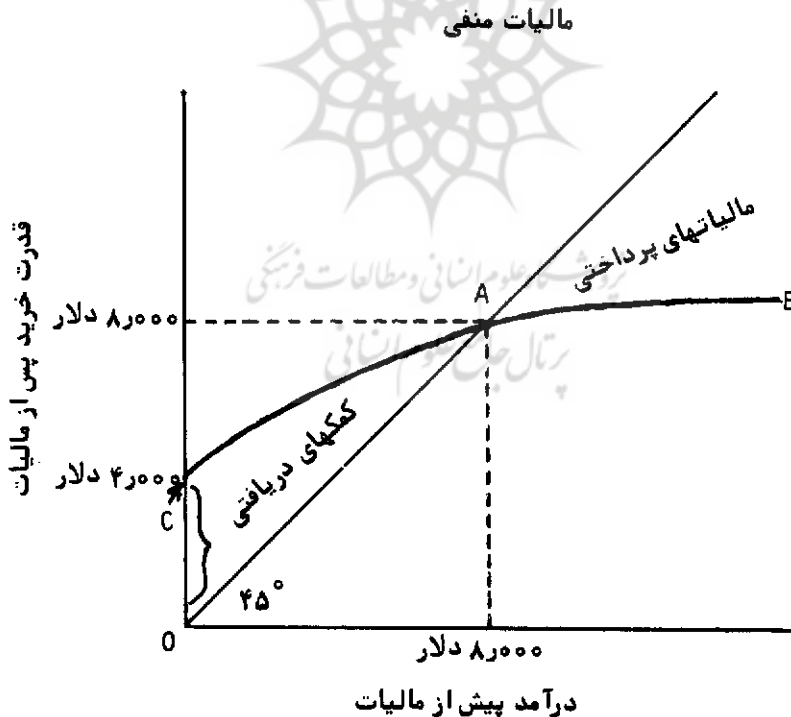
1. Negative Income Tax

* Breakeven Level

دریافت می‌دارد، تعیین می‌کند. برای نمونه، اگر نرخ مالیات منفی ۲۵ درصد باشد، فرد از سوی دولت مبلغی برابر با ۲۵ درصد تفاوت بین درآمد واقعی خود و سطح درآمد متعادل دریافت می‌کند. اگر سطح درآمد متعادل ۸۰۰۰ دلار مقرر شود و اگر نرخ مالیات منفی ۲۵ درصد باشد، شخصی که ۶۰۰۰ دلار درآمد دارد چکی به مبلغ ۵۰۰ دلار که ۲۵ درصد تفاوت بین ۶۰۰۰ دلار و ۸۰۰۰ دلار است از دولت دریافت خواهد نمود.

پیدا است که ترکیب سطح تعادل و نرخ مالیات منفی در این نظام، سومین عنصر اصلی یعنی سطح تضمین شده حداقل درآمد را تعیین می‌کند. با این توضیح، اگر درآمد شخص صفر باشد، کمک به اواز سوی دولت ۲۰۰۰ دلار خواهد بود که سطح تضمین شده حداقل درآمد حاصل از ترکیب سطح تعادل و نرخ مالیات منفی را بدست می‌دهد. در طرح ریزی یک نظام مالیات منفی، هر دو عنصر از سه عنصر اصلی می‌توانند مستقل از عنصر دیگر در نظر گرفته شوند، ولی هرگاه دوتا از عناصر معین شوند، سومی به عنوان یک نتیجه به طور خودبخود معلوم خواهد شد.

نسبتهای میان سه عنصر اصلی مالیات منفی را به کمک نمودار زیر می‌توان توضیح داد:



محور عمودی نمودار قدرت خرید فرد را پس از مالیات و کمک و محور افقی درآمد او را پیش از مالیات و کمک نشان می‌دهد. خط مستقیم منشعب از نقطه O در زاویه 45° ، نسبت‌های پیش از مالیات و پس از مالیات را که اگر هیچ مالیاتی وجود نمی‌داشت (نه مثبت و نه منفی) در درآمد فرد مؤثر واقع می‌شد، ترسیم می‌کند. بر روی این خط، قدرت خرید پس از مالیات با درآمد پیش از مالیات در تمام سطوح درآمد برابر می‌باشد. نخست، فرض کنید که فقط مالیات‌های مثبت وضع می‌شود و معافیت‌های مجاز و تخفیف‌ها به گونه‌ای هستند که فقط درآمدهای بیش از 8000 دلار به حکومت باید مالیات بپردازند. نقطه تعادل* 8000 دلار می‌باشد و نسبت پیش از مالیات - پس از مالیات از خط OAB پیروی می‌کند. مالیات‌های پرداخت شده در فاصله بین خط 45° درجه و خط AB ترسیم می‌شوند. انحنای خط AB بیانگر آن است که نرخ‌های تصاعدی در مالیات مثبت عملی است.

بار دیگر، فرض کنید که مالیات منفی با نرخ ثابت 50% درصد مقرر است. فردی که درآمد او کمتر از سطح تعادل 8000 دلار است، چکی از حکومت برابر با 50% درصد تفاوت بین درآمد قبل از مالیات خود و مقدار تعادل دریافت می‌دارد. با این ترتیب، خط نسبت پیش از مالیات - پس از مالیات برای آن افرادی که حق دریافت کمک‌های مالیات منفی را دارند CA است. مبلغ این کمک‌ها در فاصله بین خط 45° درجه و خط CA ترسیم می‌شود. فردی که درآمد پیش از مالیات وی صفر باشد به مقدار 4000 دلار کمک دریافت خواهد کرد که حداقل درآمد تضمین شده را تشکیل می‌دهد. این سطح تضمین شده حداقل درآمد، نتیجه خودبه‌خود انتخاب اولیه سطح تعادل 8000 دلاری و نرخ ثابت مالیات منفی 50% درصدی است.

نمودار بالا آشکار می‌کند که در میان سه عنصر مالیات منفی الگوهای دیگری می‌تواند گسترش یابد. برای نمونه، با نرخ ثابت 50% درصد مالیات منفی اگر سطح تعادل از خط 45° درجه دورتر شود، می‌توان به یک حداقل بالاتر درآمد تضمین شده دست یافت. یا اگر قرار باشد سطح تعادل 8000 دلار با حداقل درآمد تضمین شده بیش از 4000 دلار حفظ شود، یک نرخ مالیات منفی بیش از 50% درصد لازم خواهد بود. مادامی که نرخ ثابتی برای مالیات منفی بکار رود، برآوردها ساده است. برای نمونه، حداقل درآمد تضمین شده برابر خواهد بود با درآمد متعادل ضرب در نرخ مالیات $(Y=BR)$ یا درآمد

*Breakeven Point

متعادل برابر خواهد بود با حداقل تضمین شده تقسیم بر نرخ مالیات

$$B = \frac{Y}{R}$$

یا نرخ مالیات منفی برابر خواهد بود با حداقل درآمد تضمین شده تقسیم بر درآمد متعادل

$$R = \frac{Y}{B}$$

. البته، نرخ مالیات منفی می‌تواند چنان اصلاح شود که نرخ پایین‌تری که فقط اندکی زیر سطح تعادل است برای افراد اعمال شود و برای افرادی با درآمدهای پیش از مالیات بسیار پایین نرخ بالاتری بکار رود. خط چین نمودار، این اصلاح برنامه را نشان می‌دهد.

محدودیت‌های سیاستی

هر یک از سه عنصر اصلی مالیات منفی (حداقل تضمین شده، نقطه تعادل و نرخ مالیات منفی) تابع محدودیت‌های سیاستی است، یعنی برای هر یک از این عناصر موقعیت‌های سیاستی وجود دارد که بیانگر برتری‌گزینه‌های معینی نسبت به سایر گزینه‌هاست. بنابراین، ایجاد یک برنامه مالیات منفی خاص در میان اهداف سیاستی مختلف تضاد بوجود می‌آورد، چون انتخاب موقعیت بهتر برای هر دو عنصر ممکن است به این معنی باشد که موقعیت مربوط به عنصر سوم باید قربانی شود. از این رو، یک مالیات منفی از نظر سیاستی متوازن، مستلزم سازش میان اهداف مختلف است.

بیا بیاید نخست محدودیت‌های سیاستی مربوط به برقرار کردن سطح تضمین شده حداقل درآمد سالانه را در نظر بگیریم. اگر مسئولیت محو کامل فقر به نظام مالیات منفی سپرده شود، قرار دادن حداقل تضمین شده در سطح "خط فقر" یا بالای آن ضروری است. اگر خط فقر برای مردم مختلف در سطوح مختلف - احتمالاً - مربوط به اختلاف‌های هزینه زندگی در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری و از این قبیل - مقرر شود، پیچیدگی‌هایی بروز می‌کند. اگر مالیات منفی مسئولیت محو کامل فقر را عهده‌دار نباشد، حداقل تضمین شده می‌تواند در سطوح پایین‌تر مقرر شود و برنامه‌های دیگر می‌توانند تفاوت میان کم‌کهای درآمد منفی و خط فقر را جبران کنند.

محدودیت سیاستی در رابطه با استقرار سطح متعادل درآمد به کل مقدار پول پرداخت‌کنندگانی مربوط می‌شود که مایلند این جوه به برنامه مالیات - کمک اختصاص یابد. حرکت نقطه تعادل به بالا به سمت سطوح بالاتر درآمد بسیاری از خانواده‌ها را به خارج از گروه پرداخت‌کنندگان مالیات رانده و به گروه دریافت‌کنندگان کمک مستقل می‌سازد. چنین حرکتی به سرعت نرخ‌های مالیات را افزایش می‌دهد که از سوی مردمی باید پرداخت شود که درآمدشان بالای سطح تعادل است، زیرا دارای تأثیر دوجانبه افزایش همزمان

تعداد مردم در گروه دریافت‌کننده و کاهش تعداد مردم در گروه پرداخت‌کننده است. این را می‌توان در نمودار بالا، در صورتی که صرفاً برای نشان دادن آن مالیاتی که نیازمند برنامه مالیات - کمک است تعبیر شود، مشاهده کرد. از آنجایی که بودجه برای یک برنامه کمک مالیاتی باید متوازن باشد، لغزش نقطه A به بالا همراه خط ۴۵ درجه مستلزم نرخهای مالیاتی بسیار بالاتر برای افراد گروه پرداخت‌کننده مالیات است. در نمودار، همین که نقطه تعادل به سمت بالا حرکت کند، انحنای خط AB الزاماً گسترده‌تر می‌شود. در مبارزه انتخاباتی برای ریاست جمهوری در سال ۱۹۷۲، در نتیجه پیشنهاد کاندیدا مک گاورن برای تعیین یک "سود سهام اجتماعی" سالانه به مبلغ ۱۰۰۰ دلار برای هر خانواده، در نظام مسلط مالیات - کمک نقطه تعادل به بالا حرکت کرده است. اگرچه تعیین سود سهام اجتماعی خود برای دستیابی به اهداف مالیات بر درآمد قابل گزارش است، این برنامه نیازمند یک جریان وسیع دریافت مالیات و پرداختهای کمکی و افزایش قابل توجهی در نرخهای مالیات بر درآمدهای بالاتر بوده است.

محدودیت‌های موجود در برقراری نرخ مالیات منفی به انگیزه‌های کار مربوط می‌شود، حوزه‌ای که در آن سطح دانش علمی پایین اما حساسیت سیاسی بالا است. در نمودار، شیب خط نسبت پیش از مالیات - پس از مالیات، نرخهای مالیات را (به طور معکوس) نشان می‌دهد. برای نمونه، خط ۴۵ درجه نرخهای صفر مالیات را ترسیم می‌کند. در طرف دیگر، خط افقی نرخ ۱۰۰ درصد مالیات را نشان می‌دهد، یعنی یک مالیات ۱۰۰ درصدی بر تمام درآمدهای بالای سطح تعادل و یک مالیات منفی ۱۰۰ درصدی (کمکی) بر فاصله بین سطح تعادل و درآمدهای واقعی اشخاصی که درآمد پیش از مالیات آنها زیر آن سطح است. برابری کامل، از چنین نرخهای مالیاتی - کمکی ای ناشی می‌شود.

البته در عمل، مالیات منفی نه نرخ صفر و نه ۱۰۰ درصد مالیات را بکار می‌برد. مسئله بر سر یافتن بعضی نرخهای مالیاتی میانگین است که (۱) یک حداقل تضمین شده و مناسب درآمد را تأمین کند، (۲) سطح تعادل و هزینه برنامه به منظور قابل پذیرش بودن برای گروه پرداخت‌کننده مالیات به اندازه کافی پایین نگهداشته شود، و (۳) برای مردم دریافت‌کننده کمکها، موانع دشواری جهت ایجاد نشود. یکی از دلایل اصلی به نفع مالیات منفی این است که دریافت‌کنندگان با پذیرفتن درآمد حاصل از کار، باید همواره قادر به بهبود قدرت خرید خود پس از مالیات باشند. با نرخ ۵۰ درصدی مالیات منفی، قدرت خرید پس از مالیات به میزان ۵۰ سنت برای هر دلار درآمد مکتسبه شخصی زیر سطح تعادل، افزایش خواهد یافت. با نرخ ۷۵ درصد، درآمدهای پس از مالیات به

میزان فقط ۲۵ سنت برای هر دلار درآمد مکتسبه مردم این گروه، افزایش خواهد یافت. از این رو، در تنظیم برنامه، نرخ مالیات منفی به عاملی حساس بدل می‌شود.

نرخهای مالیات منفی اصلاح شده، می‌تواند دامنه اختیارات را در موضوع عملی سازشهای تجربی سیاستی در میان تأثیرات محرک، سطوح تضمین شده حداقل درآمد و سطح تعادل، گسترش دهد. خط چین در نمودار نشان می‌دهد که نرخهای مالیات منفی می‌تواند در سطوح بسیار بالا (یک نسبت تقریباً "افقی پیش از مالیات - پس از مالیات") برای گروههای با درآمد بسیار پایین وضع شود که به جای تأثیرات بازدارنده و وسیعتر برای این گروه، حداقل درآمد تضمین شده را بالا ببرد. همین که درآمدها بالا برود، خط چین به شیب ۴۵ درجه نزدیک می‌شود که نشانگر نرخهای پایینتر مالیات منفی برای اشخاصی در ردیفهای بالاتر گروه دریافت‌کننده کمک است. این نرخهای پایینتر مالیاتی برای این مردم انگیزه‌های کاری گسترده‌تر را به جای پرداختهای کمکی کوچکتر پیشنهاد می‌کند. تغییری از این نوع به نوعی توزیع مجدد در گروه زیر سطح معادل درآمد منجر می‌شود. این تغییر، یک سطح بالاتر تضمین شده حداقل درآمد را بدون گسترش کل بخش "مالیات - کمک" برنامه مجاز می‌شمارد، یعنی، بدون بالا بردن سطح تعادل و از آن طریق نیاز به پرداختهای بیشتر مالیاتی از سوی افراد بالای آن سطح.

طرح کمک به خانواده که توسط دولت نیکسون در سال ۱۹۷۲ پیشنهاد شد، اگرچه فقط شروط معین مناسبی را علاوه برداشتن درآمد پایین شامل می‌شد، اشکال بسیاری از یک نظام مالیات منفی را در بر می‌گرفت. آن طرح پذیرفته نشد، اما اشکال مشابه نظام مالیات منفی به عنوان بخشی از برنامهء متمم تأمین درآمد وضع شده است، که در آن مقدار پرداختهای کمکی فدرال برای افراد واجد شرایط با فرمولهایی که به تفاوت بین درآمدی که متعلق به خود شخص است و یک سطح تضمین شده درآمد سالانه معین در قانون معطوف است، تعیین می‌شود. اگرچه برنامهء بیمهء تأمین اجتماعی از زمرهء برنامه‌های رفاهی‌ای است که فقط شامل حال افراد در سنین بالای ۶۵ سال، نابینا یا ناتوان می‌شود، ولی ممکن است نشانگر راهی باشد که در آن فکر مالیات منفی راه خود را به سوی برنامه‌های محرز پرداخت کمک برای توزیع درآمد باز کند. در برنامهء بیمهء تأمین اجتماعی، برنامه‌های جداگانهء پیشین در یک برنامهء واحد گنجانیده شده‌اند، امور مالی کامل فدرال به شکل قابل توجهی جایگزین امور مالی مشترک فدرال - دولت شده است و از فکر درآمد تضمین شده سالانه برای تعیین مقدار کمکها استفاده بعمل آمده است.

هریک از این مراحل حرکتی به خارج از نظام مسلط برای کمکهای رفاهی و در جهت

بقیه در صفحه ۹۱

این برنامه اقدامات نیازمند کوششهای تمامی قسمت‌ها و بخش‌های حرفه حسابداری می‌باشد. کار آسان نیست ولی نتیجه عمل بسیار عالی خواهد بود. آینده حرفه حسابداری با پاسخی که ما امروزه مشکل منابع تأمین نیروی انسانی می‌دهیم بسیار روشن و امیدبخش و مطلوب خواهد بود.



بقیه از صفحه ۱۲

یک نظام مالیات منفی است. کاهش تأکید بر شروط مناسب و افزایش تأکید بر عامل درآمد تضمین شده سالانه می‌تواند در جهت یک نظام عمومی مالیات منفی تحول یابد. شاید این نوع رسیدن تدریجی به اصلاحات رفاهی در یک نظام سیاسی اساساً دموکراتیک محتمل باشد.



آبونمان "حسابدار"

برای آبونمان یکسال (۱۲ شماره) ماهنامه "حسابدار" مبلغ ۲۷۰۰ ریال (شامل هزینه پاکت و نمبر) به حساب جاری ۱۵۱۳ انجمن نزد بانک ملی ایران شعبه طالقانی (کد ۰۹۴) واریز نموده، کپی حواله را به همراه نام و نشانی خود به دفتر مجله ارسال فرمایید.